

تصویری شاعرانه از اوضاع هرات

سید فضل احمد " پیمان "

saidfazlahmadpayman@yahoo.com

در هری اضطراب می بینم
پخته همچون کباب می بینم
درد و رنج و عذاب می بینم
مرد و زن را مصاب می بینم
بی حد و بی حساب می بینم
باز هم انشعاب می بینم
بر هدف کامیاب می بینم
سخت در التهاب می بینم
بر سر شیخ و شاب می بینم
جنبش و اعتصاب می بینم
در حقیقت سراب می بینم
خون بجای شراب می بینم
دشمن انقلاب می بینم
موجب انتصاب می بینم
مستحق عتاب می بینم
نقش بر روی آب می بینم
عمل نا صواب می بینم
دف و چنگ و رباب می بینم
دختر بی حجاب می بینم
دست عالیجناب می بینم
بر مقام عقاب می بینم
غرق در منجلاب می بینم
یا که امشب به خواب می بینم
بجز این کی جواب می بینم
حال طفلان خراب می بینم

دوش گفتم به پیر عقل چرا
دل هر فرد را بر آتش ظلم
جای آسایش و سلامت و امن
به مرض های روحی و جسمی
اختطاف و ترور و دهشت را
بین قوم هزار فرقه شده
عاملان فساد را عملاً
آتش فتنه و جنایت را
هر دم از نوقیامتی بر پا
نفرت و انزجار می نگرم
در نظر آنچه می نماید آب
ساغر عیش زورمندان را
مستقر بر اریکه قدرت
در ادارات پول و واسطه را
هر که را صحبت از جهاد کند
خونبهای همه شهیدان را
آنچه را از رسانه می شنوم
جای آموزش شعایر دین
خانم نیمه لخت می نگرم
وین عجب که به هر قضیه دخیل
کرگس لاشخور را ساکن
الغرض شهر علم و عرفان را
این وقایع بگو به بیداری است
گفت: پیمان! من این سوال تو را
که گر این مکتب است و این ملا